



درياچه اروميه، «آرال» بعدی

رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی کشور گفته است که اگر وضع به همین منوال ادامه پیدا کند، امیدی برای دریاچه ارومیه نیست و وضع بدتر هم خواهد شد. به گزارش ایلنا، احد وظیفه در این باره گفت: «متأسفانه تغییر اقلیم، شرایط ناگوار را بر کل کشورهای خاورمیانه تحمیل کرده است و اکوسیستم‌های طبیعی مثل دریاچه ارومیه بیشترین تأثیر را از این موضوع می‌گیرند. نمونه این را می‌توانید در دریاچه آرال ببینید که به چه وضعی افتاد و خشک شد. دریاچه ارومیه هم رفته‌رفته در حال دچار شدن به همان وضعیت است و اگر وضع همین گونه ادامه پیدا کند، مطمئناً خشک خواهد شد.» او ادامه داد: «بیشترین برداشت آب در حوضه ارومیه مربوط به کشاورزی است. سه محصول چغندر، قند، پنبه و سبب بیشترین مصرف آب را در حوضه دریاچه ارومیه دارند و باید با محصولات کم‌آبرتر جایگزین شوند. مطمئناً به باغ‌های سیب دست نخواهند زد، ولی اگر حداقل از افزایش بی‌رویه باغ‌های سیب یا باغ‌هایی که اخیراً در همه‌جای مناطق شب‌بدر کوهستان ایجاد کرده‌اند دست‌بکشند و کنترل کنند، می‌توان به آینده امیدوار بود.»



۲۰ درصد کودکان محروم از تحصیل

رئیس سازمان بهزیستی کشور با بیان اینکه بهشت تعلیم و تربیت، کودکان هستند، گفته است که آموزش نباید موجب تعدی به سایر حقوق کودکان شود. جواد حسینی در این باره گفت: «یکی از حقوق اصلی کودک، حق کودک بودن است، این در حالی است که آموزش در ایران حق کودک را از کودکان مای می‌ستاند و این بزرگترین مشکل آموزش در نظام کودک است. طی چهار سال گذشته، عضو فعال انجمن علمی حقوق کودک بودم. اگر چه کودکان دارای حقوق مختلفی اند، اما اساسی‌ترین حق کودک آموزش است. امروز با پدیده‌ای در دنیا به عنوان فقر آموزشی مواجهیم. فقر آموزشی شاخص‌های مختلفی دارد، اما یک شاخص آن، حق دسترسی به آموزش است. ۲۰ درصد کودکان در دنیا، حق دسترسی به آموزش را ندارند. همچنین ۲۵ درصد کودکان دنیا، حق دسترسی به آموزش استاندارد و باکیفیت را ندارند.»



احتمال از دست رفتن ایستگاه ژئوفیزیک تهران

رئیس سازمان هواشناسی کشور با اشاره به ساخت وسازهای بحث‌برانگیز در حریم ایستگاه هواشناسی ژئوفیزیک تهران، هشدار داد که این مسئله می‌تواند استانداردهای هواشناسی را تحت تأثیر قرار داده و به از دست رفتن داده‌های ارزشمند منجر شود. به گزارش ایسنا، حدود یک‌سال از گودبرداری برای ساخت سه بلوک ۲۵ طبقه از نسوی دانشگاه تهران می‌گذرد؛ ساختمان‌هایی با عنوان خوابگاه‌مهاجران که کلنگ‌شان در حریم ایستگاه هواشناسی ژئوفیزیک به زمین خورد و با ادامه روند ساخت‌وسازهای جدید در حریم ایستگاه هواشناسی ژئوفیزیک تهران، این ایستگاه باقیمت حالا در معرض از دست‌دادن استانداردهای علمی قرار گرفته است. سحر تاجبخش در این باره گفت: «این ایستگاه بیش از ۶۰ سال داده‌های هواشناسی را ثبت و نگهداری کرده است. هرگونه جابه‌جایی یا اختلال در آن، باعث از دست رفتن تداوم داده‌ها و منقطع شدن اطلاعات ارزشمند خواهد شد.»

خصوصی شوند. دخل و خرج کار پرستاری با هم نمی‌خواند.» او ماجرای پرستارانی که به تهران آمده‌اند و برای کرایه‌خانه با مشکل مواجه‌اند را می‌داند و می‌گوید که هزینه مسکن بسیار سنگین است و تبدیل به معضل شده: «من به تنهایی نمی‌توانستم خانه بگیرم. خیلی از همکاران من که به تهران می‌آیند هم نمی‌توانند خانه بگیرند، یا به پانسیون و خوابگاه می‌روند یا مجبورند با چندین نفر خانه بگیرند. برخی از پرستاران هم در شرکت‌های خدمات پرستاری در خانه کار می‌کنند و فقط پنج‌شنبه‌ها و جمعه‌ها به تهران می‌آیند، کار می‌کنند و برمی‌گردند به شهرشان.» پرستاران مجرد به راحتی مهاجرت بین‌استانی می‌کنند، اگر خانواده‌ای داشته باشند، نمی‌توانند به راحتی جابه‌جا شوند.

ماشین‌خوابی بین شیفت‌ها

محمد حسین پور، رئیس خانه پرستار گیلان هم می‌گوید که پرستاران بیمارستان‌های این استان، چندین شیفت کار می‌کنند؛ یک شیفت بیمارستان کار می‌کنند، شیفت بعدی مسافرکنشی می‌کنند. گاهی اوقات فاصله بین دو شیفت را در ماشین می‌خوابند. او هم درباره مهاجرت بین‌استانی پرستاران فراوان شنیده و می‌گوید که هر سال وزارت بهداشت مجوزهایی برای استخدام می‌دهد. به استان گیلان که می‌رسد، تعداد استخدام‌ها ۲۰ نفر اعلام می‌شود. در حالی که هر سال نزدیک به ۱۰۰ پرستار پایان طرحی یا ترک کار و خانمشین داریم، در مقابل آنها ۲۰ پرستار جذب می‌کنند؛ به همین دلیل بیشتر پرستاران گیلانی، انتخابشان تهران است. چرا که در تهران فرصت کار کردن در بخش خصوصی دارند. براساس اعلام او، حدود ۴۰۰ پرستار از گیلان به تهران مهاجرت کرده‌اند: «این افراد معمولاً همدیگر را پیدا می‌کنند و با هم جایی را اجاره می‌کنند. برخی مراکز پانسیون دارند و امکان ماندن برای پرسنل وجود دارد. البته پرستاری که یک شیفت صبح کار می‌کنند و یک شیفت عصر، ترک جرح می‌دهد یک شیفت هم در بیمارستان بماند و استراحت کند. برخی پرستاران بعد از ۲۰ سال کار، استعفا می‌دهند و وارد حرفه دیگری می‌شوند. در دو سال اخیر، موارد خیلی زیادی در استان گیلان داشتیم که به همین شکل ترک کار کرده‌اند. به همین دلیل بیمارستان‌های گیلان با کمبود نیرو مواجه‌اند. حتی بیمارستان‌های کوچک، سالانه ۵-۶ مورد خروجی دارند در حالی که ورودی نیرو ندارند.» به گفته او، اوضاع معیشت پرستاران بسیار ناامناست، در ۱۸ ماه گذشته ۴۰ مورد تجمع در راستای مطالبه‌گری پرستاران صورت گرفته، حتی برای اولین بار بعد از انقلاب، اعتصاب کردند: «رئیس جمهوری براساس فرمولی اعلام کرد که تعرفه شیفت‌های پرستاران می‌تواند دو برابر شود، قبلاً اینطور بود که شیفت هشت ساعته ۱۶۰ هزار تومان حساب می‌شد و قرار بود تعرفه‌اش بالا برود، اما باز هم چنین اتفاقی نیفتاد.» به گفته حسین پور، همین وضعیت منجر به افزایش مهاجرت پرستاران شده است، حتی در استان گیلان که مراکز درمانی مانند تهران نیستند، باز هم مهاجرت بسیار داغ است. در فضای مجازی به‌طور مرتب خبر مهاجرت پرستاران شنیده می‌شود. قبلاً به کشورهای اروپایی می‌رفتند و حالا به کشورهای حاشیه خلیج فارس. آنجا حقوق‌های ۴۰۰-۵۰۰ میلیون تومانی به همراه مسکن می‌گیرند. بالای ۹۰ درصد هم از شرایطشان راضی‌اند.

خانه‌نشینی آسیب‌کمتری دارد

«خانه‌نشینی، آسیب کمتری می‌زند.» این روایت جواد توکلی، عضو شورای مرکزی خانه پرستار و فعال پرستاری در مشهد از شرایط کاری پرستاران است. او به هم‌میهن می‌گوید که پرستاران در کنار مشکلات فیزیکی و عوارض اسکلتی که به‌دلیل کار برایشان ایجاد می‌شود، با فشارهای روحی و روانی بالایی هم مواجه‌اند. در خانه نشستن، آسیب‌رویی و جسمی کمتری به آنها وارد می‌کند. توکلی می‌گوید که از یک شیفت به شیفت دیگر، با ترک کار پرستارانی مواجه‌ایم. خیلی از پرستاران در تاکسی‌های اینترنتی، مسافرکنشی می‌کنند. برخی هم کارهای متفرقه دارند مثل میوه‌فروشی و... در حالی که پرستاری رشته‌ای مورد نیاز است، اما زمانی که پرستار از نظر مالی و روانی در آرامش نباشد، نمی‌تواند خدمت‌رسانی خوبی هم به بیمار داشته باشد و در نهایت خود بیمار آسیب می‌بیند. وقتی پرستار چند شیفت کاری می‌آیستد، روی کیفیت کارش تأثیر می‌گذارد. همچنین اثر کم‌خوابی شیفت شب قبل، در شیفت صبح نشان داده می‌شود. پیش از این مجلس تصویب کرده بود که پرستار بتوانند با حداقل شیفت، تا مین مالی شود یا قانون تعرفه‌گذاری بعد از ۱۶ سال اجراء شد، اما باز هم راضی‌کننده نبود. قانون ارتقای بهره‌وری کارکنان بالینی نظام سلامت که اضافه‌کار پرستاران را محدود می‌کند و باید ضریب‌های خاصی به شیفت‌های شب و تعطیلات تعلق گیرد هم بدرستی اجرا نمی‌شود. پرستاران همچنان مجبور به انجام اضافه‌کاری هستند. قانون بعدی، قانون مشاغل سخت و زیان‌آور است که امتیازاتی برای پرستاران قائل شده تا آنها بتوانند در شرایط خاصی از مزایای بازنشستگی استفاده کنند یا ضرایب سختی کار بالاتری داشته باشند. همه اینها گفته شد تا مشخص شود که در حوزه قوانین و بخشنامه، مشکلی وجود ندارد؛ مسئله این است که این قوانین اجرایی می‌شوند.

توکلی می‌گوید که پرستاران همیشه اعلام کرده‌اند چیزی جز اجرای قانون نمی‌خواهند. قوانین واضح است اما در اجرا به شیوه دوگانه عمل می‌شود: «پرستاران از زمان شروع طرح تحول سلامت همواره اعتراضاتی داشته‌اند. آنها شاهد بی‌عدالتی در برخورد‌ها هستند، اگر شیوه تقابل دوگانه وزارت بهداشت در اجرای قوانین کنار گذاشته شود و قانون تعرفه‌گذاری خدمات مانند پزشکان اجرا شود، درصد زیادی از ناراضی‌های پرستاران کم می‌شود. در حال حاضر اقدامات درمانی که پرستاران انجام می‌دهند، به‌نام خودشان ثبت نمی‌شود و به‌اسم پزشک است. همین بی‌عدالتی‌ها آزارشان می‌دهد.»

هزار تومان می‌شود، برایشان توهین‌آمیز است. بعد از اعتراضات پرستاری، مدیران اعلام کردند که این عدد به ۶۰ هزار تومان افزایش می‌یابد، قرار بود از مهرماه اجرا شود اما نشد. پرستاران حدود ۱۵ میلیون تومان حقوق می‌گیرند و اگر با سابقه باشند، ۲۰ میلیون تومان. از این درآمد، ماهانه ۵ تا ۸ میلیون تومان اجاره‌بهای مسکن‌شان می‌شود و با تعرفه‌ای که برای اضافه‌کاری اجباری در نظر گرفته شده هم کمبودها جبران نمی‌شود. اگر آنها شش ساعت شیفت اضافه‌کار کنند، نزدیک به ۳۰۰ هزار تومان پول می‌گیرند که همین را هم باید برای رفت‌وآمد هزینه کنند.

دارا می‌گوید که در این شرایط، ماهانه ۱۰ تا ۱۲ نفر از پرستاران استعفا می‌دهند که از این تعداد، چهار نفر به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند و مابقی در حرفه‌های دیگر مشغول به کار می‌شوند: «۸۵ تا ۹۰ درصد پرستاران دو جا کار می‌کنند. درآمد کار در دو بیمارستان، حدود ۴۰ میلیون تومان است از این مبلغ ۱۰ تا ۱۲ میلیون تومان را باید بابت مالیات پرداخت کنند و چیزی برای خودشان نمی‌ماند.»

تعبید، مهاجرت به تهران و بی‌پولی

سوار کردن یکی از بیماران و رساندنش به مقصد، برای آقای «د» خاطره دردآوری است؛ او راننده تاکسی اینترنتی است که کارش را بعد از شیفت بیمارستان شروع می‌کند و چندی پیش یکی از بیماران، به‌صورت اتفاقی او را به‌عنوان راننده انتخاب کرده بود: «چرا یک پرستار درس خوانده باید راننده تاکسی باشد، ما برای کنکور خیلی درس خوانده بودیم، در کنار درس خواندن هم کارورزی‌های سختی داشتیم، استادان، با ما سختگیری‌های زیادی می‌کردند که در نهایت برویم راننده شویم؟» او می‌گوید که دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه هر دو، سه‌ماه یک‌بار مطالبات‌شان را پرداخت می‌کنند، شهرهای دیگر مثل تهران وضعیت بهتری دارند و همین موضوع سبب شده تا خیلی‌ها به تهران مهاجرت کنند. آنجا پرداخت مطالبات حدود یک‌ماه تأخیر دارد. پرستاران یک شهر جمع می‌شوند، پانسیون می‌گیرند و زندگی می‌کنند: «نمونه این اتفاق برای خودم افتاده. بعد از تعطیلات نوروز به تهران می‌روم، قرار است ماشینم را بفروشم و با پولش جایی اجاره کنم. از اینجا باید فرار کرد.» او می‌گوید، تعدادی از همکارانش حتی پرستاری را هم رها کرده‌اند و به تهران رفته‌اند برای کار؛ کسانی که شاید به‌دلیل وضعیتی که داشتند، می‌توانستند به راحتی استخدام شوند.

آقای «ا» را به‌دلیل شرکت در اعتراضات پرستاری، از شهر کرمانشاه به اسلام‌آباد غرب تبعید کرده بودند و از اول اسفندماه دوباره به محل کارش در کرمانشاه بازگشته است. اعتراضات آنها برای رسیدن به حق و حقوق‌شان از دو سال پیش شروع شد؛ درست زمانی که موج اعتراضات در سراسر کشور آغاز شده بود. آنها در کرمانشاه به‌صورت مکتوب با معاون‌ها و رؤسای مختلف بیمارستانی و دانشگاهی در ارتباط بودند و تقاضای اصلاح وضعیت معیشت‌شان را داشتند: «به‌جای اینکه به حرف ما گوش بدهند، پیمان زدند.» اعتراض اصلی آنها به وضعیت درآمد‌های بود، هنوز هم همین درخواست را دارند. آقای «د» می‌گوید که امروز کار می‌کنیم، ۱۲ ماه بعد پولش را می‌دهند. اضافه‌کاری‌ها اجباری است، چون نیرو کم است. پول ما را نمی‌دادند اما برای رأی آوردن فلان نماینده، بودجه‌های زیادی صرف می‌کردند: «ما در استانداردی و دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، جمع کردیم و گفتیم حق‌مان را می‌خواهیم. تمام اعتراضات مسالمت‌آمیز بوده: اعتراض به تعرفه پایین اضافه‌کاری، به پرداخت‌های تاخیر یک‌ساله، به حق مسکن ۹۰ هزار تومانی که چندین سال است پرداخت نشده، هزینه لباس فرمی که پولش را نمی‌دهند و... همه اینها به‌صورت مکتوب اعلام شد اما اتفاقی نیفتاد.»

پرستاران تجمع کردند و پس از آن بود که اسامی‌شان به حراست فرستاده شد. گفتند آقای «د» لیدر است و برایش پرونده‌سازی کردند. او را به چهار سال تبعید به یک شهرستان محکوم کردند، بعد از اعتراض حکم به یک‌سال تبعید به یکی از توابع اسلام‌آباد که ۷۰ کیلومتر از شهر دور است، کاهش یافت. آقای «د» شش ماه در منطقه دیگری کار کرد تا اینکه جواب اعتراض در دیوان عدالت اداری آمد که تأیید کرده بودند اعتراضات، صنفی بوده و حکم لغو شد. این پرستار حالا در همان بیمارستان محل خدمتش مشغول به کار است اما می‌گوید که در این مدت خسارت زیادی دیده، یک‌ششم حقوقش را کم کردند و هزینه‌های زیادی بابت رفت‌وآمد داده است. این پرستار از بیمارستان امام علی کرمانشاه خبر دارد و می‌گوید که اسامی ۲۵ نفر از کادر پرستاری این بیمارستان، به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند. بیشتر پرستاران به آلمان مهاجرت می‌کنند. آنجا نزدیک به سه‌هزار یورو حقوق می‌گیرند که هم می‌توانند زندگی‌شان را آنجا بچرخانند، هم اینکه پولی برای خود نگه‌دارند: «روزی از راه می‌رسد که بیمار به اورژانس می‌رود و هیچ پرستار و پزشکی نباشد که او را درمان کند. سیستم درمان، پرستاران با سابقه‌شان را دودستی تقدیم کشور دیگری می‌کنند.»

زندگی‌های اشتراکی

موج مهاجرت به کلانشهرها از جمله تهران، آغاز شده؛ موجی که با جدایی پرستاران از بیمارستان‌های شهرستان و پیوستن به بخش خصوصی در شهری دیگر، با امکانات و تعرفه‌های بیشتر همراه است. سه‌ماه از طرح پرهام رازیانی مانده بود که تصمیم گرفت از بیمارستان طالقانی کرمانشاه توقف طرح پرستاری‌اش را کلید بزند و راهی تهران شود. او همراه با تعدادی از پرستاران، در تهران شرکت خدمات پرستاری در منزل راه‌اندازی و با چند نفر از اقوام‌شان خانه‌ای به‌صورت اشتراکی اجاره کرده است. مهاجرت به تهران برای او هم چالشی بود؛ هر چند درآمد فعلی‌اش از پرستاری در منزل، از کار در بیمارستان کرمانشاه بیشتر است. این وضعیت بسیاری از همکارانش است: «پرستاران مجبورند در چند بیمارستان کار کنند یا در نهایت مهاجرت کنند. به شهرهای بزرگ بروند و آنجا وارد بخش

آنها دوباره بی‌خانمان می‌شوند. تعداد این افراد هم زیاد است.» همه اینها در شرایطی است که به گفته این پرستار، هیچ تغییری در شرایط پرستاران صورت نگرفته است: «وزارت بهداشت تلاش کرد تا منابعی را برای این بخش در نظر بگیرد. در حال حاضر از میان کارکنان دولت، کمترین دریاچه‌ای به کارکنان آموزش‌وپرورش و بعد از آنها به کارکنان وزارت بهداشت تعلق می‌گیرد.» این فعال پرستاری می‌گوید که پرستاران در خواست تغییر شرایط داشتند، تجمع کردند و دست به اعتصاب زدند اما در نهایت با آنها برخورد شد. پرستارانی در یزد، کرمانشاه، مشهد و شیراز تعلیق شده‌اند. در بیمارستان امام خمینی تهران هم چند نفر تعلیق شدند. حتی گزارشی از تبعید پرستاران به شهرهای دیگر هم شنیده شد.

۳ ماه تعلیق از کار به دلیل مطالبه‌گری

رانندگی، آپارانی، لبنیاتی، طلاسازی و آنهایی که در مضیقه مالی‌اند، دستفروشی هم می‌کنند. این روایت محمدرضا دارا، پرستار تعلیق‌شده یکی از مراکز درمانی یزد از وضعیت پرستاران شهرش است. او می‌گوید، پرستاران امکاناتی ندارند و رفاه‌یابی برایشان در نظر گرفته نشده است.

محمدرضا دارا، پرستار مرکز ترومای بیمارستان شهید رهنمون یزد است، دو ماه است در تعلیق به‌سر می‌برد و تا ماه دیگر همین وضعیت ادامه دارد؛ حکم تعلیق از کارش، سه‌ماهه است: «اول اردیبهشت‌ماه سال آینده تعلیق تمام می‌شود.» دارا را به‌دلیل مطالبه‌گری با خواست کردند و با شکایت رئیس قبلی دانشگاه علوم پزشکی یزد و پیگیری‌های او برای محکومیت این پرستار با ۲۸ سال سابقه کار، در نهایت نتیجه داد. اولین اعتصاب پرستاران یزد، اردیبهشت‌ماه اسفند رقم خورد، همان موقع استاندار وقت یزد، در میان تجمع‌کنندگان حاضر شد و به آنها وعده داد که یکی از وعده‌ها، پرداخت معوقات بود و دیگری هم در نظر گرفتن مسکن پرستاری بود؛ موضوعی که در شورای عالی مسکن هم تصویب شد اما هیچ‌وقت به مرحله اجرا نرسید. معوقات‌شان را هم به‌اندازه دو‌ماه پرداخت کردند و بعد دیگر خبری نشد.

همان موقع، دارا و گروهی از پرستاران، در راستای مطالبه‌گری‌شان در اجرای قوانین و بهبود وضعیت معیشت، با تشکیل پرونده حراستی مواجه شدند: «یک‌سال و نیم پیش، در راستای ظلمی که به جامعه پرستاری می‌شد، شروع به فعالیت کردیم و حدود پنج هزار نفر از کادر درمان، عضو شدند. ما محکم پای مطالبات مان ایستادیم؛ چرا که مطالبه ما صنفی بود، اما مدیران قبلی دانشگاه علوم پزشکی یزد، واکنش‌های تند و خشکی داشتند و کل اعتراضات ما را زیر سوال بردند.» مطالبه‌گری آنها تنها به تجمعات پیوسته ختم نشد و حدود سه‌ماه هم دست به اعتصاب زدند؛ اتفاقی که باعث شد رئیس دانشگاه علوم پزشکی یزد در دادگاه، علیه‌شان شکایت و در نهایت محمدرضا دارا را از اتهام به‌لیبری از اعتراضات کند: «در دادگاه مرا تبرئه کردند، اما رئیس دانشگاه دوباره از من شکایت کرد. از حراست علیه من گزارش‌هایی جمع کرده بود و در نهایت در فضایی که خودم هم در آن حضور نداشتم، مرا از کار تعلیق کردند.» به گفته او، بعد از تغییر مدیریت، رئیس جدید دانشگاه تلاش زیادی برای اجرا نشدن حکم کرد، اما در نهایت حکم اجرا شد.

دارا چهار فرزند دارد و حالا در دومین ماه تعلیق به‌سر می‌برد. او می‌گوید بعد از ۲۸ سال و نیم کار، به‌دلیل مطالبه‌گری در خانه نشسته است و اجازه کار ندارد. غیر از او، هیچ‌یک از معترضان با چنین حکمی مواجه نشده‌اند. برایشان در حراست دانشگاه پرونده تشکیل شد، تعدیل شدند، برخی هم کار را رها کردند و رفتند، اما تعلیق نشدند. اعتراض اصلی آنها درباره معیشت بود؛ تعرفه اضافه‌کاری ۱۵ هزار تومانی که پس از کم کردن مالیات ۱۳

